

مبانی شهرسازی از منظر فقه اسلامی

حمید بذریچ
حجت عزیزالهی
استادیار، عضو هیأت علمی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
استادیار، عضو هیأت علمی، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، یزد، ایران.

چکیده:

از آنجا که محیط اجتماعی و بافت شهری تاثیر به سزایی در فرهنگ و معنویت ساکنین شهرها دارد؛ دولتها با تلاش حد اکثری در جهت بهسازی شهرها قدم بر میدارند؛ از آنجا که دین مقدس اسلام یک دین اجتماعی بوده به این جنبه از زندگی انسان نیز اهمیت داده و در مورد چگونگی ساخت و ساز شهری احکام متعددی صادر کرده است؛ لذا بررسی این احکام و اجرای آنها در شهرسازی امروزه برای کشورهای اسلامی ضرورت دارد. فقه شهرسازی به عنوان یکی از شاخه های فقه تمدن رسالت تبیین این احکام را بر عهده داشته و در صدد استخراج مبانی اسلامی در حوزه شهرسازی از منابع معتبر اسلامی با روش اجتهادی است. پژوهش حاضر با روش توصیفی- تحلیلی به بررسی این مبانی در ابعاد مختلف شهرسازی میپردازد. که در نتیجه میتوان گفت مرکز شهرها مسجد جامع شهر بوده و الگوی مناسب ساخت و ساز شهر اقلیست و بلند مرتبه سازی موجب خسارات جبران ناپذیر شده و ساختمان سازی بیش از نیاز نهی گردیده و شهر سازی باید در جهت افزایش امنیت اخلاقی و فیزیکی باشد.

واژگان کلیدی: شهر، تمدن، فقه شهرسازی، بلند مرتبه سازی، شهر افقی

طبقه بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی

۱. مقدمه

شهرسازی فاخر همواره یکی از افتخارات تمدن‌ها محسوب می‌شود. لذا شریعت اسلام نیز با درک این ضرورت همواره سعی بر آن دارد تا در حوزه شهرسازی، اصول و ارزش‌های اخلاقی را مد نظر قرار دهد، از این روی تبیین مبانی اسلام در حوزه شهرسازی ضروری مینماید. زیرا اسلام ارزشهای تعالی جویانه‌ای را در زمینه‌ی شهر و محیط زندگی انسانی مطرح کرده که امروزه با ظهور فرهنگ جدید و غفلت از ابعاد معنوی انسان مورد بی‌مهری قرار گرفته است. برای احیای این ارزشها در شهرسازی معاصر لازم است این ارزشها از حالت عام و کلی به صورت مسأله‌ی تخصصی تبدیل شوند که در اینصورت، در مجموع هنگامی خانه، محله و شهر اسلامی پدید خواهد آمد که معماران و شهرسازان ما با شناخت کافی از مبانی اسلامی در حوزه‌ی برنامه‌ریزی و طراحی محیط اقدام نمایند. بدیهی است که سایر ارکان شهر یعنی قوانین، مدیران و شهروندان نیز میبایست از مبانی اسلامی تبعیت نمایند.

در این میان علم «فقه» از آنجایی که متکفل بیان حکم پدیده‌ها است مرجعیت معتبری را در تبیین اصول و هنجارهای پدیده شهرسازی داراست. بر این اساس در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی مبانی شهرسازی را از منظر فقه اسلامی تبیین می‌نماییم.

البته فقهای صدر اسلام، در مواجهه با شهرنشینی روزافزون جامعه در سده‌های دوم تا یازدهم هجری، به تعریف و ماهیت و اجزای ساختمان در بافت شهری، تعیین حقوق و مزایای بنا و تعریف عرصه‌های خصوصی و عمومی میپرداختند. برای نمونه ابن‌اخوه در کتاب معالم‌القریه فی احکام الحسبه، با بهره‌گیری از قواعد فقهی، نوع رفتار مسلمانان را تشریح میکند. (ر.ک: ابن‌اخوه، ۱۳۶۷، ۳۷-۹۵)

در پژوهش‌های معاصر نیز برخی به تبیین مسأله مورد بحث پرداخته‌اند. (مبلغی ۱۴۳۳) در پژوهش خود به تبیین برخی از قواعد فقهی مرتبط با عمران و شهرسازی پرداخته است. وی قواعد عمران را به طور عام مورد بررسی قرار داده و قواعد مربوط به محیط زیست را در ذیل مباحث خود مطرح کرده است. گل خطمی و حقیقت (بین ۱۳۹۵) در پژوهش خود به کاربرد فقه در تحقق منظر شهری امن پرداخته و ضمن بیان چهار قاعده فقهی نتیجه گرفته‌اند که با تکیه بر قواعد و منابع فقهی و حضور مجتهدان و صاحب‌نظران در جلسات تدوین اصول کلی مدیریتی و اجرایی شهر، میتوان زمینهای لازم برای ظهور و تجسم مفاهیم و آموزه‌های دینی مرتبط با شهر و زندگی اجتماعی شهروندان را در منظر شهری فراهم نمود. البته با

توجه به کمبودهایی که در پژوهشهای مذکور به چشم می‌خورد؛ مانند عدم احصاء حداکثری قواعد فقهی در مقوله شهرسازی؛ فقدان رویکرد فقهی-اجتهادی در برخی از پژوهشها و نادیده گرفتن قواعد مهم و تاثیرگذار در شهرسازی اسلامی است. پژوهش حاضر سعی در مرتفع ساختن این خلاءها دارد.

بر اساس منابع اسلامی دو گونه شهر وجود دارد: الف: شهر شرعی ب: شهر عرفی؛ و احکامی که بر هر کدام بار می‌شود متفاوت است.

۱. شهر اسلامی

۱.۱. شهر شرعی

در منابع اسلامی، ارکان و عناصر شهر شرعی سه چیز است: ۱. مردم ۲. حاکم (دولت) ۳. قانون؛ (مشکور، فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی، ج ۲، ص ۸۳۳) پس در تعریف شهر شرعی می‌توان گفت: «شهر شرعی؛ یعنی سازمانی متشکل از مجموعه‌ای از انسان‌های تابع دولت و حاکمی که بر اساس قانون، روابط بین آنان را نظم می‌بخشد.» (اراکي، فقه عمران شهری، ج ۱، ص ۹) مقدسی (متوفی ۳۸۰ق) به نقل از فقهای اهل سنت، تعریفی تقریباً مشابه ارائه داده است. (مقدسی، أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، ص ۴۷)

بدین سبب هر جا مردمی باشند و حاکم و دولتی که به جمع آنها وحدت بخشد، و قانونی که روابط بین آن مردم را نظم دهد، شهری شکل می‌گیرد، که بر اساس منابع دینی از ملاک‌ها و ضوابط شهر شرعی «برخوردار است، و بسیاری از احکام فقهی بر آن مترتب می‌شود. باید توجه داشت که بن‌مایه و قوام شهر شرعی با نظام ولایت و رهبری حاکم بر مجموعه انسانهای آن شهر شکل می‌گیرد و جان و روح شهر شرعی را تشکیل می‌دهد. از شهر شرعی می‌توان به شهر فرافیزیکی تعبیر کرد. (اراکي، فقه عمران شهری، ج ۱، ص ۳۷)

۱.۲. شهر عرفی

فارابی نخستین اندیشمند اسلامی است که به تفصیل درباره «شهر عرفی» و انواع و مراتب آن سخن گفته است. او در کتاب «آراء اهل المدینه الفاضله» افزون بر تقسیم تجمعات بشری به تجمعات کامل - که مقصود از آن شهر است و تجمعات ناقص که مقصود شهرک است - تجمعات کامل را به عظمی (جامعه بشری کلان) و وسطی (کشور) و صغری (شهر) تقسیم می‌کند. و ملاک شهر بودن را در عناصر ذیل خلاصه می‌کند: الف) گردهمایی جمع گسترده‌ای از مردم



هویت شهر عرفی اسلامی، همراه با شاخصه ها و ویژگیهای ذیل، عینیت پیدا می کند:

(الف) حاکمیت قانون عدل توحیدی و رهبری پیشوایی الهی و عادل، و مردمی تابع و فرمانبردار.

(ب) روحیه پرستشگر منسجم جامعه شهری که بافت و درون ساخت آن را عدل و تقوا تشکیل می دهد.

(ج) سازگاری و هماهنگی ساختار جلوهرگر و ظاهری شهر با درون ساخت توحیدی شهر.

(د) تجلی فرهنگ و تمدن برخاسته از توحید و عدل در همه شئون و جلوههای زندگی شهری که برآیند آن، شهری با نظم و زیبایی و انسجام و هنر و ذوق و ابتکار و آسایش و آرامش است.

(ه) مساجد و مراکز دولتی از درون و برون برجسته ترین نماد توحید و عدل باشند.

(و) برابری شهروندان در توزیع و ارائه خدمات و امکان دسترسی برابر برای شهروندان. (ز) پرهیز از اسراف تبذیر که نماد طغیان و تمرد بر هویت عدل و توحید است. (اراک، محسن، فقه عمران شهری، ج ۱، ص ۳۰ - ۳۴)

نکته بسیار مهمی که باید به آن توجه داشت این است که ساختار فیزیکی و جلوهرگر شهر باید با جان و روح آن همراه و همنا باشد و شکل هندسی کلان و کلی شهر، و شکل هندسی خرد شهر در شهر الهی باید متناسب با جان و روح الهی آن شهر باشد.

۲. مساحت کلی شهر

در فقه اسلامی پهنا و قطر محدوده شهر، حداقل و حداکثری دارد که اگر از حداقل کمتر شود شهر عرفی به شمار نمی آید و در آن اقامه نماز جمعه واجب نمی باشد و اگر از حداکثر تجاوز کند، از دیدگاه شرع شهر دیگری به شمار می آید و نماز جمعه دیگری باید به پا داشت، بنابراین در اینجا دو مدعا وجود دارد: اول: حداقل کرانه و قطر شهر. دوم: حداکثر پهنا شهر.

حداقل قطر محدوده شهر سه میل است. که بنا بر قول مشهور حدود ۶ کیلومتر می باشد. با توجه به دلالت روایات بر اختصاص وجوب تعیینی نماز جمعه به شهرها از یک سو، (طوسی، تهذیب، ج

ص ۲۴۸

(ب) همیاری و هم افزایی آنان در راه شکل گیری سعادت و کامیابی همگانی

(ج) پیشوا و سرپرستی کامل که بر مردم شهر ریاست و فرمانروایی می کند.

(د) شهروندان فرمانبردار و تلاشگر در جهت تحقق اهداف و خواستههای پیشوا. (فارابی، آراء أهل المدینه الفاضله و مضاداتها، ص ۱۱۲-۱۱۴)

«شهر عرفی» افزون بر عناصر سه گانه شهر شرعی (مردم، قانون، حاکم)

از عناصر ذیل تشکیل می شود:

(الف) جمعیت انبوه همراه با تعاون و خدمات متقابل

(ب) فرهنگ مشترک شهری متشکل از اصول اخلاقی مشترک، عقاید سیاسی مشترک، زبان مشترک

(ج) فعالیت های اقتصادی، تجاری و صنعتی متمرکز

(د) ساختمانهای بزرگ پاسخگوی نیازهای زندگی شهری ۵. نقشه جامع تضمین کننده نظم شهری میان زیستگاه مردم و مراکز خدمات شهری. (حسینی، اصول و مبانی برنامه ریزی شهری و روستایی، ص ۴۹ - ۵۰) افزون بر شاخصه های مذکور، در شهر عرفی، یا شهر فیزیکی، کالبد و قالب شهر مورد توجه قرار می گیرد.

ساختارهای عمرانی شهر، شکل هندسی ساختمان ها، فاصله ساختمان ها، رنگ ساختمان ها، نمادها، راه ها، خیابانها، کوچه ها، جایگاه مراکز خدماتی و مساجد، معابد، تفریحگاه ها و ... همگی بخش هایی از شهر فیزیکی یا کالبد شهر است.

۱.۳. هویت شهر اسلامی

بر اساس حاکمیت رهبری الهی عادل و اطاعت و فرمانبرداری گروه مؤمنان، نظم الهی شهر و سیاست توحیدی شهر ساخته می شود، و در پرتو نظم سیاسی توحیدی شهر است که امنیت شهر و نیز هویت شهر اسلامی و ساکنان آن تعیین شده و سامان می یابد. این هویت، فرهنگ عمومی شهروندان را به وجود آورده، و بر مبنای آن، اقتصاد شهر شکل می گیرد و شهر عرفی اسلامی بوجود می آید.

وُضِعَ اللَّيْتُ فِي وَسْطِ الْأَرْضِ لِأَنَّهُ الْمَوْضِعُ الَّذِي مِنْ تَحْتِهِ دُحَيْتُ الْأَرْضِ
وَ لِيَكُونَ الْقَرْصُ لِأَهْلِ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ فِي ذَلِكَ سَوَاءً» (ابن بابويه،
علل الشرائع، ج ۲، ص: ۳۹۶) قابل تعمیم به محل بحث ما است زیرا
دلالت بر محبوبیت شرعی یکسان بودن محل اقامه مناسک عبادی
جامع برای اهل خاور و باختر دارد، بنابراین در شهر نیز محل عبادت
مردم شهر که همان مسجد جامع است باید برای اهل شرق و غرب
شهر یکسان باشد. همچنین از این روایت استفاده می شود که مسجد
محل نیز باید در وسط محله باشد.

۴. بلند مرتبه سازی

بلندمرتبه سازی پدیده ای است که کم و بیش، در طول تاریخ
معماری، به آن پرداخته شده است. کهن ترین ساختمان بلند در دوران
باستان را اهرام مصر میدانند. با وجود این پیشینه تاریخی، نخستین
بناهایی که در اواخر نیمه دوم قرن نوزدهم به ساختمان های بلند
شهرت یافتند، متعلق به شهر شیکاگو در آمریکا هستند. به دنبال
پیشرفت فناوری و در پاسخ به مسائلی همچون کمبود زمین و عدم
امکان گسترش افقی بنا در مناطق مورد تقاضا و بهینه شدن مصرف
انرژی ساختمان، رویکرد بلند مرتبه سازی قوت گرفت. اما با بررسی
رابطه بین بلندمرتبه سازی با میزان و نوع جرایم شهری، روشن می
شود که بلندمرتبه سازی خسارات جبران ناپذیری به دنبال دارد.
(زنگنه شهرکی، تأثیر بلند مرتبه سازی بر میزان جرایم شهری، از
صفحه ۶۱ تا ۷۴)

از جدیدترین نظریه های جرم شناسی، نظریه تاثیر طراحی محیطی
بر جرم و جنایت است، که در پرتو این نظریه می توان رابطه بین
بلندمرتبه سازی با وقوع جرایم شهری را تبیین کرد. نظریه طراحی
محیطی بر نقش بارز الگوی مسکن، ساخت خانه ها و
ساختمانها، طراحی محیط ساخته شده و ساختار کالبدی و فیزیکی
فضاهای شهری بر وقوع جرم تأکید می کند؛ از اینرو در این نظریه،
تلاش بر کاهش جرایم از طریق طراحی محیطی است. یکی از این
رویکردها، رویکرد (CPTED) یا پیشگیری از جرایم با استفاده
از طراحی محیطی است. این رویکرد را می توان نوعی رویکرد هدفمند
برای طراحی کارآمد و هوشمندانه مؤلفه های محیطی با به کارگیری
بهینه محیط ساخته شده در کاهش جرایم دانست که در افزایش
میزان رضایتمندی شهروندی و در نتیجه، رفاه اجتماعی جامعه تأثیر
بسیاری دارد. (بررسی پیشینه نظریه جرم و جنایت و طراحی ملک
مسکونی ص: ۱۲۶-۱۶۴) با طراحی محیطی می توان از بروز جنایت
در شهرها جلوگیری کرد؛ چرا که فرصت های جرم می تواند با

و دلالت روایات دیگر بر وجوب فاصله لا اقل سه میل (۶ کیلومتر)
بین دو نماز جمعه، (کلینی، الکافی، ج ۳، ص: ۴۱۹) و با توجه به اینکه
لازم است محل برگزاری نماز جمعه در مرکز شهر باشد تا امکان
دسترسی برابر برای همگان به محل نماز جمعه فراهم گردد، نتیجه
می گیریم قطر متعارف شهر عرفی اسلامی نباید کمتر از سه مایل
باشد. این بدان معنا است که طراحان شهری در هنگام طراحی و
تاسیس شهری که دارای موازین عمران اسلامی شهری است، باید
برای مساحت شهر قطری در نظر بگیرند که از سه میل کمتر نباشد.
اما ملاک احکام مسافر در خروج از حد ترخص، همان حدود عرفی
انتهای ابنیه و خفاء جدران و صوت اذان است.

حداکثر قطر شهر نباید بیش از چهار فرسخ یعنی دوازده میل (۲۴)
کیلومتر بنا بر قول مشهور و ۲۱ کیلومتر بنا بر قول غیر مشهور) باشد،
توجه به دو نکته ذیل این مطلب را روشن می کند: ۱. محل نماز
جمعه باید در مرکز شهر باشد. ۲. حضور در نماز جمعه برای کسانی
که در فاصله کمتر دو فرسخ از محل نماز جمعه قرار دارند واجب است
و برای کسانی که در فاصله از این فاصله زندگی می کنند واجب نیست.
(کلینی، الکافی، ج ۳، ص: ۴۱۹) از اینرو قطر شهر عرفی از نظر منابع
دینی اسلامی نباید از دوازده میل تجاوز کند زیرا فرض بر این است
که نماز جمعه در مرکز شهر برگزار می شود و از مرکز شهر تا فاصله
دو فرسخ از هر سمت محدوده وجوب حضور در نماز جمعه شهر است
که به معنای آن است که ساکنان این محدوده شهروندان شهری که
نماز جمعه در آن برپا می شود به شمار می آیند و آنان که در فاصله
بیش از این مقدارند شهروندان این شهر به شمار نمی آیند و لذا حضور
در نماز جمعه بر آنان واجب نیست، بنابراین قطر کلی شهر، دوازده
میل یعنی چهار فرسخ خواهد بود.

۳. مرکز شهر

مرکز شهر یا هسته شهر در فقه اسلامی مسجد اعظم یا مسجد جامع
شهر است که نماز جمعه در آن برپا می شود.

با توجه به اینکه در روایات مسجد اعظم (جامع) از مسجد قبیله
(مسجد محله) و مسجد سوق متمایز شده است (طوسی، تهذیب
الأحكام، ج ۳، ص: ۲۵۳) و با توجه به جایگاه مسجد اعظم یا مسجد
جامع که محل برگزاری نماز جمعه و جامع همه مردم شهر است، و
چون برای همه مردم شهر بنا نهاده شده است، قاعده عدل و انصاف
اقتضاء می کند که این مسجد در محلی باشد که مسافت آن برای
مردم ساکن در هر جهت از جهات شهر مساوی و برابر باشد. همچنین
تعلیل ذکر شده در روایتی از امام رضا علیه السلام که فرمود: «و

مسکونی ۴. افزایش ارتباطات محلی با همسایگی و مشارکت‌های محله‌ای. (رستمی تبریزی، جنایت و شهر، ۳۶۶)

از مجموعه روایات و منابع اسلامی استفاده می‌شود که الگوی مطلوب ساختمان در شهر اسلامی جهت افقی دارد نه عمودی، بدین معنا که ساختمان‌ها باید به نحوی ساخته شوند که افق آسمان از دید ساکنان شهر پوشیده نگردد و ارتباط ساکنان شهر با آیات الهی آسمان و زمین قطع نشود.

چند مجموعه از روایات بر این مطلب دلالت می‌کند:

۱. روایاتی است که در آنها نهی از ارتفاع زیاد ساختمان‌ها شده است (برقی، المحاسن، ج ۲، ص: ۶۰۸) که فقهای امامیه بر طبق این احادیث بر کراهت ساختن بنا بیش از ۸ ذراع (حدود ۴ متر) فتوا داده‌اند. (سبزواری، مهذب الأحكام، ج ۵، ص: ۴۹۰)

۲. روایاتی که بر مبغوضیت شرعی ساختن مناره‌های بلند برای مساجد دلالت دارند. (علامه حلی، منتهی المطلب، ج ۶، ص: ۳۲۰)

۳. مجموعه مرکب از دو دسته روایات است: دسته اول: روایاتی است که بر تعدادی از سنن و مستحباتی دلالت دارد که با ساختمان‌های بلند سازگاری ندارد بلکه ساختمان‌های بلند موجب تعطیل کامل آنها می‌شود. نظیر: آیات و روایاتی که بر تأمل و تدبیر در آیات آسمانی و زمینی خداوند تأکید دارند. (سوره ق، آیه ۶) استحباب نگاه کردن به آیات الهی آسمان قبل از نافلة شب (طوسی، تهذیب الأحكام؛ ج ۲، ص: ۳۳۴)، دسته دوم: نهی از تعطیل و ترک کلی سنت رسول الله است. (برقی، المحاسن، ج ۱، ص: ۹۴) ۴. روایاتی که درباره علائم و نشانه‌های منفی آخرالزمان است از جمله ساختمان‌های بلند را به عنوان یکی از علائم و نشانه‌های منفی این دوران معرفی می‌نماید. (بخاری، صحیح البخاری، ج ۱۱، ص: ۳۰) از اینرو الگو مطلوب در ساختمان‌سازی شهری در فقه اسلامی، مبتنی بر خط افقی در سازه‌ها است و نه خط عمودی.

۵. فراخی و وسعت راهها و خیابانها

از تعدادی روایات وارده از معصومین علیهم السلام مطلوبیت و رجحان شرعی فراخی و گشادگی راهها اعم از راه‌های اصلی و فرعی استفاده می‌شود؛ (حر عاملی، وسائل الشیعه؛ ج ۲۵، ص: ۴۳۶) روشن است که مطلوبیت سعه راه‌های اصلی و فرعی مطلوبیت تبعیدی نیست، بلکه برای رعایت حال عابران است، بنابراین وسعت راه باید به تناسب عابرانی باشد که به طور معمول از آن راه‌ها استفاده می‌کنند،

شیوه‌های برنامه‌ریزی شهری و معماری کاهش یابد. (تئوری و عمل پیشگیری از جرم از طریق محیطی، ص ۱۹۶) رویکردهای جدید طراحی محیطی بر این نکته تأکید دارند که با توجه به ساختار کالبدی فضاهای شهری و تدوین و انجام دستورها و مقررات ویژه آنها، می‌توان به میزان گسترده‌ای از ارتکاب جرایم شهری جلوگیری کرد. (ایمن‌سازی محله‌ها، ص: ۱۹)

طبق مطالعات انجام شده بر روی شهر تهران بیشترین میزان جرایم صورت گرفته در شهر تهران به ترتیب در مناطق مرکزی، شمالی، جنوبی، شرقی و غربی این شهر هستند و بیشترین تعداد ساختمانهای بلندمرتبه و آپارتمانها و بالاترین تراکم‌های ساختمانی نیز به ترتیب در مناطق مرکزی، شمالی، جنوبی، شرقی و غربی این شهر استقرار یافته‌اند. (زنگنه شهرکی، سعید و همکاران، تأثیر بلندمرتبه‌سازی بر میزان جرایم شهری (مطالعه موردی: مناطق بیست دو دوگانه تهران)، ص ۶۹-۷۰) همچنین هر چه از مرکز شهر به اطراف حرکت کنیم، از تعداد جرایم شهری کاسته شده و تا اندازه‌ای میزان امنیت بیشتر می‌شود، در مورد بلندمرتبه‌سازی همچنین هر چه از مرکز شهر به سمت پیرامون حرکت کنیم از تراکم برجها و بلندمرتبه‌ها کاسته می‌شود؛ نتایج به دست آمده درستی این مطلب را تأیید می‌کند که تغییر سبک زندگی و تغییر نوع ساختمانها و مسکن، یعنی تبدیل خانه‌های تک‌واحدیستی به زندگی در آپارتمانها و برجهای بلندمرتبه، بر تعداد و نوع جرایم شهری تأثیر داشته است.

در زندگی آپارتمان‌نشینی، ساختار خانه‌ها به‌گونه‌ای است که نظارت جمعی و عمومی بر محله‌ها وجود ندارد و ساختار محله محوری گذشته از میان رفته است. در ساختار جدید برخلاف شهرسازی سنتی، بیگانگی به وجود آمده، حس نظارت و مراقبت را کاهش داده است. حقیقت این است که ساختار الگو در شهرسازی سنتی منطبق بر فرهنگ اسلامی دارای اصول جلوگیری از جرایم از طریق طراحی محیطی است. شهرسازی سنتی بر پایه‌ی تجارب و توانمندی فرهنگی-اجتماعی از انسجام و یکپارچگی فضایی در فراهم‌سازی نظارتهای عمومی بهره می‌برده است. چند اصل اساسی معماری و شهرسازی سنتی در جلوگیری از جرایم از طریق طراحی محیطی عبارتند از: ۱. ایجاد اندرونی و بیرونی در منازل و شیوهی به کارگیری اتاقها در ایجاد نظارت و کنترل بیشتر ۲. ایجاد سلسله مراتب دسترسی در مناطق مسکونی و کاهش دسترسی آسان به منزل ۳. ایجاد خانه‌ها با حیاط مرکزی و کنترل و نظارت بر شیوهی دسترسی به اتاقهای

ساخت و ساز، با اخذ امتیازی که موجب منع دیگران از بهره برداری از ملک و مال و متاع خویش می گردد از نظر شرعی ممنوع است. و از جهت دیگر خصوصیتی در موارد مذکور در روایات وجود ندارد، خصوصا با توجه به آن که ملاک کلی حریم در نظر شارع عدم اضرار و آسیب است، بنابراین حکم حریم به جهت وسعت ملاک آن توسعه می یابد، و شامل همه اشیائی می شود که عدم اضرار به آنها یا انتفاع صاحبان آنها از آنها بر رعایت حریم مناسب توقف دارد. بنابراین برای راه ها، ساختمانها، مؤسسات، محل های تجاری، و پارکینگها ... باید حریم مناسب در نظر گرفت.

۷. ساخت و ساز بیش از حد نیاز

در منابع اسلامی از روایاتی که از معصومین وارد شده استفاده می شود؛ ساختمان سازی باید برای رفع نیاز، و در حد نیاز باشد، و ساختمان سازی بیش از حد نیاز مورد نهی و منع قرار گرفته است. (کلینی، الکافی ج ۲، ص: ۴۸؛ ج ۶، ص: ۵۳۱) در برخی احادیث، ساخت ساختمان بیش از حد نیاز در نظر شارع نوعی خودنمایی و گردن افرازی نسبت به سایر مردم به شمار می آید و ممنوع است. بن بابویه، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص: ۲۸۱)

می توان از این احادیث، منع از ساختمان افزایی بیش از حد نیاز و منع از تجاری سازی (ساختمان سازبیه انگیزه سودآوری محض و ایجاد تقاضاهای کاذب در بازار مسکن) را برداشت کرد. همچنین بر اساس این روایات، ساخت ساختمانهای اداری بیش از حد نیاز کارگزاران و مراجعین و احداث سازههای عریض و طویل و اشغال زمینهای فراخ و پهناور از سوی ادارات دولتی، اقداماتی نامشروع است.

۸. امنیت و ایمنی شهری

باتوجه به این که شهر یکی از زیستگاههای متراکم انسانی است که به دلیل حضور انسان، نیازمند ایمنی در همه ابعاد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مدیریتی و هر نوع اقدامی است که جامعه انسانی و محیط طبیعی و مصنوع آن را بیمه کند. «خانه» محل آرامش و زندگی آسوده اعضاء خانواده است؛ از اینرو باید به نحوی ساخته شود که آرامش و آسایش اعضای خانواده را تأمین کند. در منابع اسلامی بر رعایت امنیت مداری در عمران شهری بویژه در ساختن خانه های مسکونی تأکید شده است. ایمنی که باید در ساختن خانه مسکونی رعایت شود دو نوع است: ۱. ایمنی یا امنیت فیزیکی (جانی و مالی و عرضی)؛ ۲. امنیت اخلاقی.

و بر اساس قاعده تناسب عرفی حکم و موضوع حد مطلوب در توسعه راهها حدی است که در بالاترین فرض ازدحام عابران بتواند پاسخگوی رفت و آمد آنان باشد بنحوی که عابران بتوانند به آسانی و بدون آنکه چیزی مزاحم آنها باشد یا خود موجبات مزاحمت یکدیگر را فراهم کنند از راه استفاده کنند. همچنین سدّ معبر و ایجاد مزاحمت برای عابران به هر نحو و با هر وسیله که باشد ممنوع است، و در صورت ایجاد ضرر موجب ضمان است. هرگونه رفتار یا اقدامی که موجب ایجاد مزاحمت برای عابران باشد هرچند سدّ معبر نباشد شرعا ممنوع، و در صورت ایجاد هرگونه ضرر موجب ضمان است. (نظری توکلی، حقوق گذرگاهها و سدّ معبر در فقه اسلامی، ص ۶۹ - ۷۰)

۶. حریم و محدوده ساختمانها

حریم، اصطلاحی فقهی و حقوقی به معنای محدودهای معین در اطراف برخی اموال غیرمنقول که برای بهره بردن کامل مالکان از آن اموال، از برخی تصرفات دیگران در آن محدوده منع شده است. بنابر اقتضانات عصر پیامبر اکرم و امامان علیهم السلام، در احادیث به برخی مصادیق حریم توجه شده است، از جمله حریم راه (کلینی، الکافی، ج ۵، ص: ۲۹۶)، درختان (ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه؛ ج ۳، ص: ۱۰۱)، چاه (کلینی، الکافی، ج ۵، ص: ۲۹۶)، قنات (همان)، چشمه (همان، ص ۲۹۳)، رودخانه (همان، ص ۲۹۶) و مسجد (ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه؛ ج ۳، ص: ۱۰۲) در منابع فقهی، علاوه بر این موارد، از مصادیق دیگری مانند حریم دیوار (زحیلی، الفقه الاسلامی و أدلته، ج ۶، ص ۴۶۳۵)، روستا (همان) خانه (عاملی، مفتاح الکرامه، ج ۱۹، ص: ۶۶) و معدن (شهید اول، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیه، ج ۳، ص: ۶۸) و شهر (فرسوطائی نفوسی، القسمة و أصول الأرضین، ص ۵۳۹) و دریا (همان، ص ۵۳۸) و غار (همان، ص ۵۴۹) نیز سخن به میان آمده است. درباره محدوده حریم در هریک از مصادیق آن، بسیاری از فقهای شیعه و اهل سنت، به ویژه حنفیان و حنبلیان، به مقادیر ذکر شده در احادیث قائل شده و رعایت آن فواصل را لازم دانسته اند. در بسیاری از موارد به حد اقل حریم اکتفا شده است و در مواردی که حریم و محدوده مشخص نشده، حریم کلی؛ عدم اضرار و زیان رسانی است. مالکیان و شافعیان نیز، در برخی موارد، تعیین محدوده حریم را به عرف واگذار کرده اند. (زحیلی، الفقه الاسلامی و أدلته، ج ۶، ص ۴۶۳۵)

اصل کلی در باب حریم، این است که: هر آنچه استفاده از آن یا عدم آسیب به آن بر وجود حریم توقف دارد باید برای آن حریم مناسب در نظر گرفت، و میزان کلی حریم منع از آسیب و ضرر است، و هر نوع

فضاهای سبز شامل درختان و گیاهان دیگر هستند که به عنوان ششهای شهر به کار گرفته می‌شوند، و فعل و انفعالات شهری و فرآیندهای طبیعی را فراهم می‌کنند، همچنین به اصلاح اقلیم محلی کمک می‌کنند، و فضاهای تفریحی را ایجاد می‌کنند و به عنوان ارتباط کاملی با دنیای طبیعی برای ساکنان شهر به کار می‌روند. (سعیدنیا، «فضاهای سبز شهری» ج ۹، ص ۲۷ و ۸ و ۲۴-۲۳) مکانهایی مانند پارکها، درختان و آبها در شهر، خدمات زیست محیطی، اجتماعی و فیزیولوژیکی را فراهم می‌کند که در زیست پذیر نمودن شهرها اهمیت بسیاری پیدا می‌کنند.

بر اساس مطالعات انجام شده فضای سبز در بهبود و ارتقای کیفیت زندگی شهری تاثیرات انکار ناپذیری دارد؛ (نهیبی، بررسی تأثیر فضای سبز شهری بر ارتقای کیفیت زندگی شهری، ص ۵۱-۷۰) تاثیراتی مانند: کاهش آلودگی هوا، کاهش آلودگی صوتی، ایجاد آب و هوای مناسب، زیبا سازی شهر و پنهان کردن زشتی هاو ایجاد احساس تعلق بیشتر در انسان.

فضای سبز در نظام اسلامی عمران شهری از اهمیت ویژه ای برخوردار است، و در منابع فقه اسلامی از جهات گوناگون مورد توجه قرار گرفته است. در قرآن کریم فضای سبز از جایگاه بسیار والایی برخوردار است، بخشی از آیات کریمه قرآن به اهمیت فضای سبز در زندگی دنیایی پرداخته، و برخی دیگر به اهمیت فضای سبز در زندگی جاودانه اخروی پرداخته است. همه این آیات بر جایگاه بسیار والای فضای سبز به طور عموم بویژه فضای سبز درختی و باغستان های میوه در زندگی اجتماعی انسان اشاره و تاکید دارد، و فضای سبز را یکی از مهم ترین نعمت های الهی و از جمله عناصر مهم زندگی دنیایی خوب و خوش به شمار آورده است. (سوره نمل، آیه ۶۰) به نشاط آفرین بودن باغها و تاثیر مستقیم فضای سبز در کاهش استرس اشاره شده است. در دنیای امروز پدیده های با عنوان «باغ های درمان» مطرح است. این پدیده حاصل مطالعات صورت گرفته بر رابطه مستقیم سلامت انسان و چشم اندازها و مناظر است که به احداث باغ ها و پارک ها خصوصا در اطراف بیمارستان و مراکز درمانی منجر شده است.

آیه ۵ سوره مبارکه سبا به وجود باغهای در اطراف شهر قوم سبا اشاره شده که باعث ایجاد آب و هوای شهر شده است. امروزه این پدیده را با عنوان «کمربند سبز» می شناسند که با ایجاد کمربندی از پوشش گیاهی و فضای سبز در اطراف و گرداگرد شهر، از ورود گرد

۱. ادله وجوب رعایت امنیت مالی و جانی و عرضی در ساختمان: مورد لزوم رعایت امنیت مالی و جانی دو دسته از ادله وجود دارد: ادله عام: احادیثی که بر لزوم رعایت امنیت مالی و جانی و آبرویی بلکه ممنوعیت هرگونه تجاوز به حقوق دیگران به طور عام و ممنوعیت ایجاد هر نوع ناامنی برای افراد و برای عموم جامعه دلالت می‌کنند. (کلینی، الکافی ج ۲، ص: ۲۳۴) و برخی روایات بر لزوم برقراری عدل و امنیت بر توسط حاکمان اسلامی و لزوم طراحی شهری در راستای تامین امنیت جانی و مالی و عرضی دلالت دارد. (همان، ج ۵، ص: ۵۲) ادله خاص: مانند روایات کراهت خوابیدن در خانه های بدون در، (همان، ج ۶، ص: ۵۳۳. خوابیدن در پشت بام بدون دیوار، (همان، ج ۶، ص: ۵۳۰) و ورود به خانه های تاریک بدون چراغ. (همان، ص ۵۳۲)

۲. ادله وجوب رعایت امنیت اخلاقی در ساختمان: تجسس در احوال شخصی دیگران، جستجو کردن نقاط ضعف، و نیز چشم چرانی و هزره نگاهی غیرمجاز است، و از عواملی است که موجب سلب امنیت اخلاقی شهروندان می شود لهذا در نظام شهرسازی باید تأمین امنیت مردم و ساکنان در منازل از این جهت به کامل مدنظر قرار بگیرد خدای متعال می‌فرماید: «تجسس نکنید.» (سوره حجرات، آیه ۱۲) مهم ترین موارد تأمین امنیت روانی و اخلاقی جامعه عبارت است از: ۱. عدم تجسس در احوال دیگران؛ ۲. عدم پی جویی عیوب و نقاط ضعف دیگران؛ ۳. اجتناب از نگاه به آنچه باید مستور و پنهان باشد مانند بدن افراد. برای تأمین امنیت روانی و اخلاقی در رابطه با موارد یاد شده، افزون بر اجتناب از چشم چرانی، اجتناب از نظر انداختن به درون خانه دیگران لازم است؛ بدین جهت در شرع اسلام بر اجتناب از نظر اندازی به درون خانه دیگران تأکید شده است. (ابن بابویه، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال؛ ص: ۲۸۲) رسول خدا خَلَمَ فرماید: «هرکس قبل از آنکه وارد خانه ای شود، در حریم آن خانه چشم چرانی کند، پس خدا او را موفق نکند که گنه کار است، گنه کار.» (کوفی، الجعفریات - الأشعثیات، ص: ۱۶۵) بر این اساس مقصود از تأمین امنیت اخلاقی عبارت است از: امنیت از تجسس، و پی جویی عیوب مردم از جمله از طریق اطلاع بر زندگی شخصی افراد، بویژه زندگی درون خانه، و نیز امنیت از نظراندازی به درون خانه و مکشوف شدن آنچه باید از دیگران مستور بماند. تأمین امنیت اخلاقی از جهات مذکور اقتضا می کند ساختمان خانه های مسکونی به نحوی باشد که افزون بر تأمین امنیت فیزیکی ساکنان خانه، امنیت معنوی و اخلاقی و روانی آنها نیز تامین شود که تنها با مستور بودن محیط درون خانه از چشم و نگاه دیگران قابل تأمین است.

حرمت اجمالی زندگی و کثیف بودن دارد و به فرض آنکه کراهت کثیف بودن استفاده شود، این مطلب در فقه کلان حالت الزام پیدا می کند؛ زیرا مطلوبیت شرعی پاکیزگی و کراهت آلودگی به معنای آن است که نظافت عمومی در نظر شرع از مصالح به شمار می رود و از آنجا که تفریط در مصالح عامه برای اولیای جامعه مجاز نیست، مدیران شهری موظفند نظافت عمومی را به عنوان یک واجب شرعی مراعات کنند و تدبیر لازم را برای حفظ نظافت عمومی در محیط زندگی شهری اتخاذ کنند. عدم رعایت این مطلب از سوی مدیران شهر، تفریط در مصالح عامه به شمار می آید و موجب سلب صلاحیت تولی امور عامه توسط آنان می شود. (اراکي، فقه عمران شهری، ص ۲۴۹)

نتیجه گیری:

۱. ارکان و عناصر شهر شرعی سه چیز است: ۱. مردم ۲. حاکم (دولت) ۳. قانون.
۲. حداقل قطر محدوده شهر: سه میل (حدود ۶ کیلومتر) است.
۳. حداکثر قطر شهر: دوازده میل (۲۴ کیلومتر بنابر قول مشهور و ۲۱ کیلومتر بنابر قول غیر مشهور) است.
۴. مرکز شهر یا هسته شهر در فقه اسلامی مسجد اعظم یا مسجد جامع شهر است که نماز جمعه در آن برپا میشود.
۵. الگوی مطلوب ساختمان در شهر اسلامی جهت افقی دارد نه عمودی، بدین معنا که ساختمان ها باید به نحوی ساخته شوند که افق آسمان از دید ساکنان شهر پوشیده نگردد.
۶. با بررسی رابطه بین بلندمرتبه سازی با میزان و نوع جرایم شهری، روشن می شود که بلندمرتبه سازی خسارات جبران ناپذیری به دنبال دارد.
۷. ساختمان سازی باید برای رفع نیاز، و در حد نیاز باشد، و ساختمان سازی بیش از حد نیاز مورد نهي و منع قرار گرفته است.
۸. مطلوبیت و رجحان شرعی فراخی و گشادگی راهها اعم از راه های اصلی و فرعی از منابع فقهی استفاده می شود.

و غبار و ریزگرد و آلودگی هوا جلوگیری می کنند، این روش در تلطیف و تعدیل هوا بسیار مؤثر است.

در روایات وارده از معصومین بر اهمیت فضای سبز به طور کلی، و بویژه بر نگهداری و پرورش گل، و نیز درختکاری تأکید فراوان بعمل آمده است. احادیث متعددی در مدح نگاه به مناظر سرسبز، محبوبیت گل و گیاه و اهدای گل وارد شده است. (حر عاملی، وسائل الشیعه؛ ج ۲، ص: ۱۴۳؛ کلینی، الکافی ج ۶، ص: ۵۲۴) که از این روایات نوعی قدسیت و احترام معنوی برای گل استفاده می شود که حاکی از آن است که گل افزون بر نقشی که در ایجاد فضای فیزیکی سالم دارد در ایجاد فضای معنوی سالم نیز نقش مهمی دارد. بنابراین افزایش استفاده از گل و گیاه و پرورش و نگهداری آن در فضای شهر و فضای خانه ها تا آنجا که ممکن و میسر است مطلوبیت دارد، و لذا لازم است در عمران شهرها زمینه بهره برداری هرچه بیشتر از گل و گیاه و سبزه را در محیطهای همگانی (پارکها)، محیطهای نیمه عمومی (ادارات) و فضاهای خیابانی، فراهم ساخت. روایات مختلفی در تشویق و برانگیختن مسلمانان بر کاشت درخت وارد شده (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۱۳، ص: ۴۶۰) که از بعضی از آنها می توان وجوب درختکاری را برداشت کرد. (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳؛ ص ۸۶) همچنین روایاتی در ممنوعیت قطع درختان که بعضی از این روایات بر حرمت قطع درخت (کلینی، الکافی؛ ج ۵، ص: ۲۷) به ویژه درخت بارده و میوه دار دلالت دارد. (همان؛ ج ۵، ص: ۲۹)

۱۰. رعایت نظافت در محیط شهری

در روایات وارده از معصومین بر لزوم رعایت نظافت و پاکیزگی تأکید فراوان شده است تا آنجا که نظافت و پاکیزگی، سیره انبیا (همان؛ ج ۵، ص: ۵۶۷) و محبوب خداوند شمرده شده و آلودگی و کثیفی مبعوض خداوند و افزون بر آسیب های جسمانی منشأ آسیب های به شمار آمده است. (سوره بقره، آیه ۲۲۲) روایات بسیاری در مدح نظافت (شیخ طوسی، الأمالی؛ ص: ۲۷۵) و جارو کردن خانه (کلینی، الکافی؛ ج ۶، ص: ۵۳۱) و بیرون خانه (برقی، المحاسن؛ ج ۲، ص: ۶۲۴) و در مذمت آلوده و چرکین بودن (کلینی، الکافی؛ ج ۶، ص: ۴۳۹) و نهي از جمع پس ماندها در خانه وجود دارد. (ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه؛ ج ۴، ص: ۵)

هرچند فقها معمولاً از روایات وارده درباره مطلوبیت نظافت، استحباب مؤکد نظافت، یا کراهت ضد آن را استفاده کرده اند؛ لکن عباراتی نظیر: «إن الله ... یکره البؤس والتبائس» همانا خداوند زندگی و زنده نمایی را کراهت دارد» و نیز «بئس العبد القادوڑة» ظهور در

۹. حسینی، سید علی، اصول و مبانی برنامه ریزی شهری و روستایی، انتشارات دریای دانش، رشت، چاپ اول، ۱۳۹۰ش

۱۰. زحیلی، وهبه بن مصطفی، الفقه الاسلامی و أدلته، دار الفکر، دمشق، بی تا.

۱۱. زنگنه شهرکی، سعید و همکاران، تأثیر بلند مرتبه سازی بر میزان جرایم شهری (مطالعه موردی: مناطق بیست دو دوگانه تهران)، در پژوهش های جغرافیای انسانی، پاییز ۱۳۹۰، شماره ۷۷.

۱۲. سبزواری، سید عبد الأعلى، مهذب الأحكام، مؤسسة المنار، قم، چهارم، ۱۶۱۳ ه ق.

۱۳. سعیدنیا، احمد، «فضاهای سبز شهری» انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۳ ش.

۱۴. شهید اول، الدروس الشرعية فی فقه الإمامیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، دوم، ۱۶۱۷ ه ق.

۱۵. طوسی، الأمالی، دار الثقافة، قم، اول، ۱۴۱۴ ه ق.

۱۶. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحكام، دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۶۰۷ ق.

۱۷. عاملی، حر، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، اول، ۱۶۰۹ ه ق.

۱۸. عاملی، سید جواد بن محمد حسینی، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، اول، ۱۶۱۹ ه ق.

۱۹. فرسٹانی نفوسی، احمد بن محمد، القسمة و أصول الأرضین، نشر جمعیة التراث، القرارة - الجزائر، چاپ دوم، ۱۶۱۸.

۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۶۰۷ ق.

۲۱. کوفی، محمد بن محمد اشعث، الجعفریات - الأشعثیات، مکتبه نینوی الحدیثه، تهران، اول، بی تا.

۲۲. گل خلمی، ایمان، حقیقت بین، مهدی، کاربرد فقه در تحقق منظر شهری امن، مجله شیعه شناسی، دوره ۱۴، شماره ۵۵، پاییز ۱۳۹۵، صفحه ۶۹-۹۸

۲۳. میلی، احمد، القواعد الفقیهه لفقہ العمران «المؤتمر الفقه الحضاری، الفقه العمران، عمان، وزارة الوقف و الشؤون الدینیة، ۱۴۳۳، ص ۴۷-۶۴.

۲۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۶۰۳ ق.

۲۵. مقدسی، ابو عبد الله محمد، أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، دار صادر، بیروت، چاپ دوم، بی تا.

۲۶. نظری توکلی، سعید، حقوق گذرگاه ها و سد معبر در فقه اسلامی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۸ ش.

۲۷. نهیبی، سارا، بررسی تأثیر فضای سبز شهری بر ارتقای کیفیت زندگی شهری، در فصلنامه یاداری، توسعه و محیط زیست، دوره ۱، شماره ۱ (پیاپی ۲)، تابستان ۱۳۹۳ |

۲۸. نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، بیروت، اول، ۱۹۰۸. مصرف کنندگان بهره گیری نماید.

۹. امنیتی که باید در ساختن خانه مسکونی رعایت شود دو نوع است: ۱. ایمنی یا امنیت فیزیکی (جانی و مالی و عرضی)؛ ۲. امنیت اخلاقی.

۱۰. تجسس در احوال شخصی دیگران، جستجو کردن نقاط ضعف، و نیز چشم چرانی و هزره نگاهی غیرمجاز است.

سیاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سیاسگزاری می شود.

از آقای دکتر عبدالله عزیززاده به خاطر بازبینی متن مقلله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می شود.

از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سیاسگزاری می شود.

نگارندگان بر خود لازم می دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سیاسگزاری نمایند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن اخوه، محمد بن محمد، معالم القرية فی احکام الحسبه، مرکز النشر التابع لمکتب العالم الاسلامی، قم، ۱۳۶۷.
۳. ابن بابویه، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، دار الشریف الرضی للنشر، قم، چاپ دوم،
۴. ابن بابویه، کتاب من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم، ۱۱۳ ق.
۵. ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد، المقدمة، دار الفکر، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ه - ۱۹۸۸ م.
۶. اراکی، محسن، فقه عمران شهری، مجمع الفکر الاسلامی، قم، ۱۳۹۷ ش.
۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، جمهوریة مصر العربیة، وزارة الأوقاف، المجلس الاعلی للشئون الإسلامیة، لجنة إحياء کتب السنة، قاهره، چاپ دوم، ۱۶۱۰ ه ق.
۸. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دار الکتب الإسلامیه، قم، دوم، ۱۳۷۱ ه ق.



The basics of urban planning from the perspective of Islamic jurisprudence

Hamid Bazarpach

Assistant Professor, Faculty Member, Department of Law,
Islamic Azad University, Tehran, Iran

Hojjat Azizolahi

Assistant Professor, Faculty Member, Department of Law,
Payam Noor University, Yazd, Iran.

Abstract:

Because the social environment and urban context have a significant impact on the culture and spirituality of the city residents; Governments are making maximum efforts to improve cities; Since the holy religion of Islam is a social religion, it has also given importance to this aspect of human life and has issued several rulings on how to build a city. Therefore, it is necessary for Islamic countries to examine these rulings and implement them in urban planning today. The jurisprudence of urban planning, as one of the branches of the jurisprudence of civilization, has been responsible for explaining these rulings and aims to extract Islamic foundations in the field of urban planning from reliable Islamic sources with the method of ijthad. The current research investigates these basics in different aspects of urban planning with a descriptive-analytical method. As a result, it can be said that the center of the cities is the Jame Shahr Mosque, and the appropriate model of city construction is horizontal, and high-rise construction has caused irreparable damage, and building more than necessary is prohibited, and urban construction should be aimed at increasing moral and physical security.

Key words: city, civilization, jurisprudence of urban development, high-rise building, horizontal city

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law